

بررسی تطبیقی عنصر آتش در اساطیر ایران و ویتنام

الهام رستاد* - ناصر نیکوبخت** - فونگ وو تی‌تانه***

استادیار زبان و ادبیات فارسی مرکز آموزش عالی اقلید - دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس - کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

آتش یکی از عناصر مهم و پر رمز و راز هستی است که می‌توان گفت تمدن بشری از زمان کشف آن آغاز گردید. بازتاب اندیشه بشر در زمینه چگونگی کشف آتش و میزان اهمیت و جایگاهش در میان اسطوره‌های به جامانده از اقوام مختلف قابل مشاهده است. ارزش و جایگاه مهم آتش در اسطوره‌های ایران و ویتنام و شباهت برخی آیین‌های دو کشور در تقدیس و ستایش آن نشان می‌دهد که وجوه فرهنگی مشترکی بین دو ملت وجود دارد. هدف از این پژوهش با روش توصیفی - تطبیقی، شناخت بیشتر و بهتر اسطوره‌های دو کشور ایران و ویتنام به ویژه آتش است و تلاش شده است تا از طریق واکاوی اسطوره‌های دو کشور، روایت‌های مربوط به عنصر آتش بررسی شود. نتایج پژوهش با توجه به دسته‌بندی و تطبیق اسطوره‌های کشف آتش، ایزدان، کارکردها و آیین‌ها، شباهت‌هایی فرهنگی را میان دو کشور نشان می‌دهد، چنان‌که جشن رقص آتش در ویتنام مشابه چهارشنبه‌سوری و جشن آذرگان در ایران است؛ همچنین در اساطیر دو کشور آتش نماد پیروزی بر دشمن و دوزخ مجازات گناهکاران بیان شده است. تفاوت روایت‌های اسطوره‌ای ایران و ویتنام بیشتر در زمینه چگونگی کشف آتش و ایزدان است که در پژوهش حاضر به آن‌ها اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: آتش، اساطیر ایران، اساطیر ویتنام، ایزدان، جشن‌ها.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۸/۲۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۱۹

*Email: erastad@eghlid.ac.ir (نویسنده مسئول)

**Email: n_nikoubakht@modares.ac.ir

***Email: thanhphuong1083@gmail.com

مقدمه

آتش یکی از موضوعات مهم مطرح شده در اساطیر است. این عنصر گرمابخش و روشنی‌افروز در میان همه اقوام از قداست و اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است؛ به گونه‌ای که به پاس وجودش آیین‌های ستایش و جشن‌های بسیاری برپا می‌کردند. قداست آتش در باور ایرانیان باستان نشان از ارزش و جایگاه این عنصر هستی‌بخش در زندگی آن‌ها دارد؛ باورهایی که ریشه در داستان‌های اساطیری متون زردشتی و پهلوی دارد. روشن نگه‌داشتن آتش آتشکده‌ها و برپایی مراسم مختلف به یمن حضور آتش و ایزدان خاص آن نشان‌دهنده اهمیت آتش در زندگی مردم ایران باستان است.

آیین ستایش آتش نیز در میان مردم ویتنام مرسوم است. در اساطیر ویتنامی آتش آشپزخانه، ایزد یا ایزدانی دارد که از خانه و اهل آن حفاظت می‌کنند. مراسم «رقص آتش» یکی از آیین‌های مهم ستایش آتش در میان مردم ویتنام به شمار می‌رود.

سؤال پژوهش

مقاله حاضر در پی پاسخ به پرسش‌های زیر است:

- بازتاب عنصر آتش در اساطیر ایران و ویتنام چگونه است؟
- شباهت‌ها و تفاوت‌های اسطوره‌ای با مضمون آتش در ایران و ویتنام چیست؟
- مقایسه تطبیقی عنصر آتش در اساطیر ایران و ویتنام نشان می‌دهد که با وجود روایت‌های متفاوت در نوع چگونگی کشف آتش و ایزدان آن، شباهت‌های زیادی در کارکرد آتش و آیین‌های آن میان دو قوم وجود دارد.

پیشینه پژوهش

در زمینه موضوع آتش در اساطیر به ویژه اساطیر ایران چندین کتاب و مقاله نوشته شده است که می توان به این موارد اشاره کرد:

اورنگ (۱۳۵۰)، در آتش نیایش به بررسی یکی از انواع آتش در ایران باستان پرداخته است.

رضی (۱۳۸۳)، در جشن های آتش، ضمن بررسی کلی در زمینه برگزاری این نوع جشن ها در جهان، به تفصیل جشن های آتش در ایران را شرح داده است که در این مقاله در بخش جشن ها از این کتاب استفاده شده است.

بایار (۱۳۸۷)، در رمزپردازی آتش که جلال ستاری ترجمه کرده است؛ نمادهای آتش را در اساطیر اقوام مختلف نشان داده است.

باشلار (۱۳۷۸)، در روان کاوی آتش از منظر روان شناسی، به بررسی عقده ها و نمادهای آتش پرداخته است.

خدافرد (۱۳۸۹)، در مقاله «بررسی دو واژه آذر و آتش در نوشته های پهلوی»، با پژوهش در متون پهلوی، به بررسی لغوی و معنایی دو واژه آذر و آتش پرداخته است.

دادور (۱۳۹۳)، در مقاله «اسطوره داوری ایزدی به وسیله آتش در شاهنامه»، به نوعی از کارکردهای آتش در اساطیر ایران؛ یعنی قراردادن آن در جایگاه داور و تعیین کننده حق از باطل پرداخته است.

واحد دوست (۱۳۸۴)، در مقاله «نمادینگی آتش و بازتاب آن در اساطیر ایران»، ضمن جست و جو در متون ایران پیش از اسلام، نماد آتش را در اساطیر ایران بررسی کرده است.

پورخالقی و قائمی (۱۳۸۹)، در مقاله «تحلیل نمادینگی آتش در اساطیر بر مبنای نظریه همترازی و رویکرد نقد اسطوره ای با تمرکز بر اساطیر ایران و شاهنامه

فردوسی»، پس از بررسی عناصر چهارگانه و ضدیت آن‌ها در عین وحدت براساس رویکرد اسطوره‌شناسی تحلیلی، دو جنبه روحانی و قهر و آزمون آتش را بررسی کرده‌اند.

قائم مقامی و محمودآبادی (۱۳۸۸)، در مقاله «خویشکاری آتش در اساطیر ایرانی»، تجلی آتش و کارکردهای آن را در امور مادی و مینوی و باورهای ایرانیان باستان بررسی کرده‌اند.

نیکویخت و همکاران (۱۳۸۹)، در مقاله «خویشکاری‌های مشترک فلز و آب و آتش در اساطیر و باورهای ایرانی»، به جنبه آزمون آتش و پاک‌کنندگی آن در اساطیر اشاره کرده‌اند.

زرین‌کوب و دیگران (۱۳۹۳)، در مقاله «آناهیتا و آیین‌های ستایش آتش»، به بررسی مقایسه‌ای میان آناهیتا (ایزد آب) و مراسم متناسب با آتش را انجام داده‌اند.

وو تی تانه (۱۳۸۹)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی مقایسه تحلیلی عناصر آب و آتش در فرهنگ ایرانی و فرهنگ ویتنامی بر اساس چند اثر ادبی ایرانی و ویتنامی» دو عنصر آب و آتش را در حوزه اساطیر و نیز بازتاب آن‌ها در چند اثر ادبی ایران و ویتنام مقایسه کرده است که این مقاله حاصل بخشی از پایان‌نامه ایشان است.

نیکویخت و همکاران (۱۳۹۱)، در مقاله «بررسی مقایسه‌ای ایزدان آب در ایران و ویتنام»، تنها به بررسی ایزدان آب در میان اساطیر دو کشور پرداخته‌اند.

با توجه به پیشینه موضوع مشخص می‌شود که تاکنون پژوهش علمی و مستقلی که در آن به صورت تطبیقی به موضوع آتش در اساطیر ایران و ویتنام پرداخته شده باشد، انجام نشده است.

اهمیت و ضرورت پژوهش

یکی از عوامل مهم شکل‌گیری روابط انسانی، در حوزه سیاسی و اجتماعی، توجه به اشتراکات فرهنگی است. اساطیر شالوده و سازنده افکار و رفتارهای ملل مختلف است که بازتاب آن را در ادبیات و فرهنگ می‌توان مشاهده کرد. نوع نگاه به برخی اساطیر در ایران و ویتنام، آداب و سنت‌های مشابهی را رقم زده است، اما به دلیل کارهای انگشت‌شمار پژوهشی تطبیقی و ترجمه‌ای فارسی و ویتنامی، آشنایی مردم دو کشور با یکدیگر بسیار اندک بوده است. توجه به اسطوره آتش که در اندیشه و آداب دو ملت بازتاب گسترده‌ای داشته است، می‌تواند زمینه مناسبی را برای روابط دو کشور و گفتگوی فرهنگی باز کند.

بحث و بررسی

کشف آتش در اساطیر ایران و ویتنام

چگونگی کشف آتش از موضوعاتی است که در اساطیر ایران و ویتنام مطرح شده است. طبق روایت شاهنامه، این کشف به دست هوشنگ، فرزند سیامک از پادشاهان پیشدادی به شکل اتفاقی صورت گرفت. هوشنگ به قصد کشتن ماری بزرگ و سیاه سنگی پرتاب می‌کند. آن سنگ به سنگ بزرگ‌تری برخورد می‌کند و از آن جرقه آتش برمی‌جهد:

فروغی پدید آمد از هر دو سنگ دل سنگ گشت از فروغ آذرنگ
(فردوسی ۱۳۸۲، ج ۱: ۳۴)

در اساطیر ویتنام آتش، عنصری است صنعتی و خارج از دسترس انسان که طرز ساختن آن را فقط ایزد آتش می‌داند. در روایت کشف آتش، پرنندگان و

حشرات خاص به یاری پادشاه می‌آیند تا بتوانند شیوه درست کردن آتش را به انسان بیاموزند.

طبق روایت قوم مونگ، در آغاز تاریخ، زمانی که «لنگ دا کان»^۱ اولین پادشاه ویتنامی‌ها بود و انسان‌ها هنوز آتش را کشف نکرده بودند، غذای خام می‌خوردند و سرمای شدید هوا را تحمل می‌کردند. لنگ دا کان متوجه شد در قلمروی خدایان چیزی است به نام آتش که این مشکل را حل می‌کند؛ پس در صدد به دست آوردن آن برآمد. او ابتدا با وعده پاداش خوب از خفاش خواست تا نزد ایزد آتش، «دا کم کات»^۲ برود و برای آن‌ها آتش بیاورد. خفاش خود را به نزد ایزد آتش رساند و هدف از آمدنش را بیان کرد. ایزد آتش با این شرط تقاضای خفاش را پذیرفت که وی را در جایی قرار دهد که نتواند طرز درست کردن آتش را یاد بگیرد. پس او را مختار گذاشت تا بین زنبیل و کوزه سربسته یکی را انتخاب کند. خفاش گفت اگر مرا در زنبیلی سوراخ‌دار بگذاری، همه چیز را می‌بینم، ولی اگر در کوزه‌ای سربسته بگذاری، چیزی نمی‌بینم. بنابراین، ایزد او را در کوزه گذاشت و به کار ساخت آتش پرداخت:

«دا کم کات» درخت «نانگ»^۳ را می‌برد تا شاخه‌ای کوچک بسازد/ درخت نی را برای آتش زنه می‌تراشد/ بندهایی از بامبو را روی هم می‌کشد/ و آتش بر افروخته می‌شود.» (بویی^۴ ۱۹۷۶: ۶۸)

پس از اتمام کار آتش را زیر نه قطره آب نهاد و به خفاش داد. در میان راه پای خفاش لیز خورد و آتش از دستش افتاد و چون آب روی آتش قرار داشت، خاموش شد.

1. Lang Đa Kần
3. Nắng

2. Đá Cậm Cọt
4. Búi

پادشاه این بار از زنبور خواست تا آتش را بیاورد. زنبور تقاضای پادشاه را پذیرفت به این شرط که بتواند گوش گاو و آدم مجنون را نیش بزند. هنگام ملاقات با ایزد آتش، زنبور با زیرکی وانمود کرد که از زیر نه طبقه سر بسته می‌تواند طرز ساختن آتش را ببیند؛ به همین دلیل ایزد، او را در زنبیل گذاشت. پس از ساختن آتش، آن را زیر نه قطره آب گذاشت و به زنبور داد. در راه بازگشت، همان اتفاقی که برای خفاش افتاده بود، تکرار شد، اما زنبور طرز ساختن آتش را آموخته بود: «من همه چیز را دیدم/ که او درخت «نانگ» را برید/ درخت نی را برای آتش زنه تراشید/ بندهای بامبو را روی هم کشید/ و این گونه آتش برافروخته درست کرد.» (بوی ۱۹۷۶: ۶۸) به این ترتیب انسان‌ها به آتش دست یافتند و از آن در زندگی روزمره خود استفاده کردند.

مقایسه اسطوره‌های دو قوم نشان می‌دهد که کشف آتش تأثیر بسیاری بر زندگی انسان داشته است؛ به گونه‌ای که می‌توان زندگی بشر را به دو دوره پیش از کشف آتش و پس از آن تقسیم کرد. در روایت ایرانی این کشف کاملاً اتفاقی، به صورت مستقیم به دست پادشاه و هنگام حمله به مار که نماد اهریمنی است، صورت می‌گیرد. بنابراین، آتش عنصری یاریگر در مقابل نیروهای اهریمنی است، اما در روایت ویتنامی، آتش نوعی فن و صنعت شناخته شده که دانش ساختن آن در اختیار ایزد آتش قرار دارد؛ ایزدی که در انتقال راز این دانش بخل می‌ورزد و در نهایت آتش به صورت غیرمستقیم و به کمک زنبور در اختیار پادشاه قرار می‌گیرد.

ایزدان آتش

در اسطوره‌های ایران و ویتنام از ایزدان مخصوص آتش یاد شده است. برخی از آن‌ها پدیدآورندگان آتش هستند و برخی دیگر حافظ و نگهبان آن.

آذر که در اوستا به صورت «آتر»،^۱ در پهلوی «آتخش»^۲ خوانده می‌شود، (عرب گلیپایگانی ۱۳۷۶: ۶۰) نشانهٔ مرئی حضور اهورامزدا و نماد راستین او شناخته می‌شود. (هینلز ۱۳۸۷: ۴۸) برخی او را پاره‌ای از وجود اهورامزدا می‌دانند (بهار ۱۳۸۶: ۴۴) و عده‌ای دیگر او را پسر اهورامزدا می‌خوانند. در بندهای (۴۶-۵۰) از زامیادیش، ایزد آتر رقیب آژی‌دهاک شمرده شده است. در یسنای ۴۳، بند ۹، نیایش زرتشت در برابر آتر آمده است.

سروش در اوستا «سرئوشه»^۳ نگهبان آتش است. صفت پرهیزگاری به او اختصاص دارد و در مراسم آیینی و نیایش‌ها حضور می‌یابد و نیایش‌های انسان را به بهشت می‌رساند. سروش نخستین آفریده است که زبان به ستایش اهورامزدا و نیایش امشاسپندان می‌گشاید. (بهار ۱۳۸۶: ۷۸) وی وظیفه دارد روان‌ها را پس از مرگ خوشامد گوید و از آنان مراقبت کند. (یاحقی ۱۳۸۸: ۴۶۲؛ عرب گلیپایگانی ۱۳۷۶: ۴۱) سروش در هزارهٔ سوشیانس آزدیو را از میان می‌برد. (رستگار فسایی ۱۳۸۳: ۱۶۸)

بهرام مهم‌ترین آتش در آیین مزدیسنان است که دارای تقدس و احترام ویژه‌ای است. «نام مطلق آن «برزی سوه» است که به بلند سود ترجمه شده است و با صفت جنگجو توصیف می‌شود.» (یسنا ۱۳۷۰: ۱۹۸؛ واحد دوست ۱۳۸۴: ۱۸۰) «از آنجایی که در مذهب زرتشت بیشتر خدایان دورهٔ باستان به مرتبهٔ ایزدی نزول می‌کنند، بهرام خدای (خدای جنگ و جنگ‌آوری نیز به مرتبهٔ ایزدی با نام بهرام (آتش معروف بهرام) با صفت جنگجو نزول پیدا کرده است.» (همان: ۱۸۱) بهرام در ادبیات مزدیسنا فرشتهٔ پیروزی، پاسبانی، فتح و نصرت معرفی شده که هنگام

1. Atar

2. Ātaxš

3. Sraosha

نبرد باید هم‌اوردان برای پیروزی به او بپیوندند و او را به یاری فرا خوانند. بین ایزدان، وی هم‌شان ایزد سروش است، گاهی در مقام هفتمین امشاسپند و گاهی از همدستان اردیبهشت به شمار می‌آید. (گویی ۱۳۸۵: ۱۱۸)

اردیبهشت (اشه) امشاسپندی است که نگهبانی آتش‌ها را بر عهده دارد و ایزد آذر از همکاران اوست؛ به همین سبب در اردیبهشت روز (روز سوم هر ماه) مزدیسنان در آتشکده‌ها مراسم نیایش به جا می‌آورند. (واحد دوست ۱۳۸۴: ۱۸۰)

در اساطیر ویتنام برخی ایزدان صاحب آتش هستند. چنان‌که در داستان کشف آتش آمد، **دا کم کات** یکی از ایزدان آتش است که طرز درست کردن آن را می‌داند.

تان لوی^۱ یکی دیگر از ایزدان آتش، پیرزنی است بسیار پیر و بد اخلاق به نام «با های»^۲ که وظیفه حفاظت از آتش را بر عهده دارد. او آتشی دارد که بدون استفاده از مواد غذایی و فقط با قراردادن یک قابلمه روی آن انواع غذاها را می‌پزد. این آتش ویژه آسمان است و هیچ انسانی نمی‌تواند به آن دست یابد.

بر اساس روایتی مشهور هیزم‌شکنی به صورت اتفاقی در غیاب این ایزد، متوجه تنور وی می‌شود و بلافاصله قابلمه‌ای روی آن می‌گذارد و خیلی زود انواع غذاهای خوشمزه برایش آماده می‌شود. او پس از خوردن، همانجا به خواب می‌رود. در این میان ایزد آتش باز می‌گردد و وقتی متوجه می‌شود که انسان به رازش پی برده، روی شعله‌های تنور آب می‌ریزد. هیزم‌شکن پس از بیدار شدن متوجه سرد شدن تنور می‌شود؛ با این حال در میان خاکستر جست‌وجو می‌کند تا اینکه هیزمی داغ با اندکی آتش می‌یابد و آن را با خود به خانه می‌برد.

1. Thần Lửa

2. Bà Hỏa

از آن به بعد، در خانه هیزم‌شکن همیشه غذاهای لذیذ آماده بود و وی به شدت مراقب بود تا شعله آن خاموش نشود، اما ناگهان روزی شعله آتش در آشپزخانه چنان زبانه می‌کشد که نزدیک است خانه و اهل آن را بسوزاند. در همین موقع همسر وی از ترس، ظرفی پر از آب روی آتش می‌ریزد و این آتش ایزدی برای همیشه از دست انسان خارج می‌شود.

باهای ایزدی بسیار ترسناک است و انسان از خشم او می‌ترسد؛ چراکه دلیل آتش‌سوزی، خشم گرفتن اوست. او با سلاح زبان آتشینش می‌تواند در یک لحظه دشت‌ها و جنگل‌های بزرگی را بسوزاند و آب رودها و چشمه‌ها را خشک کند. می‌گویند وقتی که آتش «باهای» خانه‌ای را می‌سوزاند، به رنگ آبی در می‌آید و معمولاً از بام خانه به پایین می‌افتد. این ایزد همکاران و پیروان زیادی دارد که به مردم، خانه‌ها، درختان و... آسیب می‌رسانند. معروف‌ترین و بدکارترین همکارش، «تانگ با»، دشمن انسان است. او به بدجنسی معروف است؛ به گونه‌ای که پس از سال‌ها خدمت در کنار ایزد آتش به او خیانت کرد و آتش را از او دزدید و فرار کرد. بالاخره ایزد آتش، «تانگ با» را گرفت و به دوزخ فرستاد. (نگوین^۲ ۱۹۵۶: ۱۲۰-۱۱۸؛ تران^۳ ۲۰۱۰: ۲۶)

ایزد (ایزدان) آشپزخانه در اصل ایزد آشپزخانه یا بهتر بگوییم ایزدان سرآشپز سه نفر هستند: دو مرد و یک زن. ویتنامی‌ها آن‌ها را با نام «اُنگ کُنگ اُنگ تایی»^۴ یا «تای گون»^۵ یا «اُنگ داو رأی»^۶ می‌خوانند. کار ایزدان آشپزخانه این است که اعمال و سخنان افراد خانواده‌ای را که از آن‌ها مراقبت می‌کنند، می‌نویسند. آن‌ها در آخرین روز سال، روز بیست‌وسوم از ماه دوازدهم تقویم سنتی ویتنام^(۱) به

1. Thành Bự
3. Trần
5. Táo Quân

2. Nguyễn, Gia Thiệu
4. Ông Công Ông Táo
6. Ông đầu rau

آسمان رفته، همه اعمالشان را به خدا گزارش می‌کنند. خدا نیز براساس گزارش آن‌ها بخت هر خانواده را در سال بعد معین می‌کند. ایزدان آشپزخانه دو خدمتکار دارند: ماهی‌کپور و عنکبوت. ماهی‌کپور یاری‌گر ایزدان آشپزخانه هنگام رفتن به آسمان است و عنکبوت در زمینه جمع‌آوری اطلاعات خانواده‌ها کمک می‌کند.

افسانه مشهور ایزد (ایزدان) آشپزخانه چنین است که مردی هیزم‌شکن به دلیل مصرف زیاد مشروب همسرش را کتک می‌زد تا اینکه زن از دست او به ستوه آمد و به جنگل فرار کرد. در آنجا با یک شکارچی آشنا شد و بعد از مدتی با او ازدواج کرد. چندی بعد هیزم‌شکن پشیمان از کار خود، در جست‌وجوی همسرش به کلبه شکارچی رسید. با دیدن زن شروع کرد به گریه و عذرخواهی و خواهش که به خانه برگردد. زن دچار تردید شد. در همین موقع شکارچی صید به دست به خانه آمد. زن با دستپاچگی از شوهر سابقش خواست که در میان خرمن کاه پنهان شود. شکارچی آتش را روشن کرد تا صید را کباب کند. تصادفاً شعله آتش به خرمن کاه رسید و آتش گرفت. زن به محض دیدن این صحنه، با دستپاچگی خود را در میان شعله‌ها انداخت. شکارچی هم بلافاصله داخل آتش رفت. به این ترتیب هر سه نفر آن‌ها در آتش سوختند. آنگاه خداوند از روی شفقت و دلسوزی هر سه نفرشان را به صورت ایزد آشپزخانه درآورد. (نگوین^۱ ۲۰۰۰: ۱۷۹)

ایزدان آشپزخانه از آتش‌خانه محافظت می‌کنند. این آتش از جنس همین دنیاست و با آتش «با‌های» که آسمانی و مقدس است کاملاً فرق دارد.

مقایسه ایزدان در اساطیر ایران و ویتنام نشان می‌دهد هر دو قوم آتش را مقدس می‌شمارند و برای آن ایزدان و نگهبانانی آسمانی متصور هستند. در اسطوره‌های ایرانی، ایزدان جایگاهی والا و مورد ستایش دارند، پرتویی از

1. Nguyễn

اهورامزدا هستند و در نبرد با نیروهای اهریمنی انسان را یاری می‌کنند، اما در اساطیر ویتنامی برخی از آن‌ها صفاتی چون: بخل، بدجنسی و آسیب‌رسانی دارند و عده‌ای دیگر مانند ایزدان آشپزخانه در مقام فرشتگان نگهبان آتش‌خانه و مسئول نوشتن اعمال اهل خانه و گزارش آن به خداوند هستند. از این رو، می‌توان گفت وظایف ایزدان آشپزخانه در مواردی شبیه به وظیفه ایزد سروش است. تشبیه صفات ناپسند انسانی چون: خشم و شهوت به آتش در کنار جنبه قدسی آن بیشتر در متون عرفانی ایرانی به کار رفته است.

کارکردها

آتش در اساطیر فقط عنصر گرمابخش و روشنی‌دهنده نیست، بلکه کارکردهای نمادین متعددی دارد. در اسطوره‌های ایران و ویتنام از انواع آتش و کارکردهای آن یاد شده است.

آتش خاستگاه زندگی و وجود: در اساطیر ایران، آتش در اجزای همه موجودات، به صورت نهفته وجود دارد. در بندهشن از پنج قسم آتش یاد شده: برزی سونگه^۱، وهوفریانه^۲، اوروازیشته^۳، وازیشته^۴ و سینیشته^۵ نخستین آتش، بلندسوت، همان آتش بهرام، سرچشمه‌اش در آسمان است. دومین آتش، آتش غریزی یا آتشی که در کالبد انسان و چارپایان است و حرارت تن را فراهم می‌کند. سومین آتش در نباتات وجود دارد. چهارمین آتش، همان آذرخش و آتشی است که از گرز تیشتر در نبرد با اپوش برمی‌خیزد و پنجمین، آتشی است

1. Bərəzi- savangah
3. UrvāziŠta
5. SpəniŠt

2. Vohu fryana
4. VāziŠta

که در گرزمان جاویدان در برابر اهورامزدا افروخته می‌شود و آتش بهرام از آن است. (دادگی ۱۳۹۰: ۹۰) بنابراین، آتش ودیعی است که در نهاد همه موجودات قرار داده شده است و گوهر زندگی و خاستگاه وجود و حرکت همه چیز است. **آتش نشانه ایزدی، پیروزی و سعادت:** با توجه به داستان کشف آتش به وسیله هوشنگ، افروخته شدن آتش به طور اتفاقی سبب فرار مار؛ یعنی شکست نماد اهریمنی می‌شود. پس حضور آتش، نشانه پیروزی است. در خوان ششم از هفت‌خوان رستم، علت آتش افروختن مردم، دور کردن دیو است. دیو سپید نیز از نور و روشنی گریزان است و در بُن غاری تاریک خانه دارد. (ر.ک. فردوسی ۱۳۸۲، ج ۲: ۱۰۶ و ۱۰۳)

در یکی از داستان‌های اسطوره‌ای ویتنام، عنصر آتش با اینکه نقش کمی دارد، اما ویژگی‌هایی چون دارابودن قدرت فوق طبیعی، هویت ملی، ابزار مقابله با دشمن و تسلیم‌ناپذیر بودن برای آن ذکر شده است. داستان این‌گونه روایت شده: «در دوره حکومت پادشاه «هونگ»^۱ ششم، زن و شوهری زندگی می‌کردند که صاحب فرزند نمی‌شدند. روزی آن زن در باغشان قدم می‌زد که ناگهان رد پای بزرگی را دید. از روی کنجکاوی، پای خود را روی آن قرار داد. وقتی به خانه برگشت، احساسی عجیبی داشت. بعد متوجه شد که حامله است. ده ماه بعد! او پسری به دنیا آورد که نامش را «ژانگ»^۲ گذاشتند. پس از گذشت سه سال، ژانگ نه راه می‌رفت و نه حرف می‌زد حتی تکان هم نمی‌خورد. در همان وقت، پادشاه «هونگ» نماینده‌ای را به سراسر کشور فرستاد تا درباره حمله دشمن اخطار دهد و از مردم بخواهد تا برای مقابله در برابر دشمن پادشاه را یاری کنند. با شنیدن این خبر، ناگهان کودک سه‌ساله زبان به صحبت گشود و از مادرش خواست نماینده پادشاه را به خانه‌شان دعوت کند. آنگاه با صدایی محکم و آشکار خطاب به نماینده پادشاه گفت: برای من اسب آهنین هزار

1. Hùng

2. Gióng

کیلویی، لباس آهنین، کلاهی آهنین و یک نیزه به اندازه یک مرد بساز تا دشمن را شکست بدهم. این اتفاق برای همه شگفت‌انگیز بود. نماینده فوراً به نزد شاه آمد و ماجرا را توضیح داد.

ژانگ سه‌ساله پس از سخن گفتن با نماینده پادشاه به مردی بلند قامت، دلیر و قدرتمند تبدیل شد. مردم برای تهیه غذای وی به کمک آمدند. ژانگ هفت قابلمه بزرگ برنج، سه خم ترشی و آب یک رودخانه را خورد و به سوی میدان جنگ شتافت. هنگام جنگ از دهان اسبش، آتش درآمد و دشمن را سوزاند و او روی اسب، با نیزه می‌جنگید. پس از شکست دشمن، ژانگ هم با اسب خود به آسمان پرواز کرد و ناپدید شد.» (نگوین ۲۰۰۰: ۸۴۳)

طبق بیان محقق «تران ناک نینه»^۱ «ژانگ» نماد خورشید است. زمانی که سه‌سال دارد و تکان نمی‌خورد، همانند سپیده دم است که فقط نور می‌دهد و گرمایش هنوز آشکار نشده است. آتشی که از دهان اسب ژانگ به دشمن می‌زند، نور فروزان خورشید بر علیه تاریکی شب است. (تران ۲۰۰۴: ۸)

آتش، داور راستی‌آزمای و پالاینده: آزمون گذر از آتش یا «ور گرم» به منظور تشخیص گناهکار از بی‌گناه و تشخیص حق از باطل صورت می‌گرفته است. اسطوره سیاوش و اثبات بی‌گناهی وی از طریق رفتن در داخل آتش سندی آشکار و انکارناپذیر برای «ور گرم» است. این نوع داوری ایزدی، برای تشخیص حق از باطل و اثبات برحق‌بودن یک اعتقاد نیز انجام می‌شد. (دادور ۱۳۹۳: ۴۶)

نمونه‌های این نوع داوری در داستان‌های ویس و رامین، ایزوت و تریستان، رامایانا و مه‌بهاراتا و سلامان و ابسال به چشم می‌خورد. در همان داستان سیاوش ویژگی پالاینده‌گی آتش نیز نشان داده شده است. «این عنصر سوزاننده و آلت عذاب پالاینده‌ای است که گناه و پلیدی را می‌سوزاند تا آنچه بماند، اسباب کمال روحانی انسان شود.» (پورخالقی و قائمی ۱۳۸۹: ۱۱۳) پالاینده‌گی آتش، سبب

1. Trần Ngọc Ninh

می‌شود تا وجه دیگر آن، یعنی نوزایی آشکار گردد؛ همان زنده‌شدن از میان خاکستر که در داستان ققنوس آمده است و باشلار از آن با عنوان «عقدۀ نووالیس»^۱ یاد می‌کند. (باشلار ۱۳۷۸: ۳۳ - ۳۰)

آتش دوزخ: در اندیشهٔ دین زرتشت، دوزخ یا جهنم به معنی جهان زشتی و بدی است که در زیرزمین قرار دارد. آنجا روح انسان از چندین مرحله و طبقه باید بگذرد و بر اساس گناهانش در دنیا، تنبیه و مجازات شود. پایگاه چهارم دوزخ، تاریک و بی‌پایان است که «دروجومانه»^۲ (جایگاه دیو دروغ) نام دارد. (یاحقی ۱۳۸۸: ۲۹۸) در زادسپرم در شرح رستاخیز آمده است که به چشمهٔ آتشی می‌ماند که همه چیز با آن سوخته می‌شود و به پایان می‌رسد. (۱۳۶۶: ۶۲) در بندهشن به همراهی آتش با دوزخ اشاره شده است. (بهار ۱۳۸۶: ۳۱۸)

ویتنامی‌ها معتقدند روح همهٔ مردگان قبل از اینکه به چرخهٔ تناسخ بپیوندند، به جهنم می‌رود. جهان زیرزمین توسط «زیم وونگ»^۳ اداره می‌شود و او کسی است که در مورد روح‌ها قضاوت می‌کند. جهان زیرین، قلعه‌ای بزرگ و وسیع است که روح‌ها برای وارد شدن به آن، باید از دری موسوم به «گوی مُن گان»،^۴ بگذرند. اطراف قلعه، رودخانهٔ «نای‌ها»^۵ جاری است و سه پل وجود دارد که دو ساحل این رود را به هم می‌پیوندد: پلی طلایی برای کسانی که به جهان خدا می‌روند، پلی نقره‌ای برای مردم نیکوکار و پلی برای گناهکاران که خیلی باریک و طولانی است. روح‌های جنایت‌کار به ناچار داخل رود می‌افتند و غذای مارها و سگ‌ها می‌شوند. معمولاً همهٔ روح‌ها، گناهان زندگی قبلی خود را فراموش می‌کنند؛ چون قبل از اینکه از جهنم خارج شوند، باید سوپ فراموشی بخورند، اما در

1. Novalis

2. Drujo-nmāna

3. Diêm Vương

4. Quý môn quan

5. Nại-hà

جهنم آینه‌ای هست که همه آن‌ها را نشان می‌دهد و «ژیم و ونگ» براساس گناهان افراد داوری می‌کند. جهنم دو نوع است؛ یخی و آتشین، نوع آتشین آن که در اینجا مورد بحث است، شامل هشت بخش است:

سانجیوا:^۱ به معنی جهنم به هوش آمدن؛ زمین آن پوشیده از فلز گداخته است که شعله‌های بزرگ در آن زبانه می‌کشد. ساکنان آن پیوسته وحشت‌زده و بیچاره‌اند. آن‌ها با چنگال‌های آهنین به همدیگر حمله‌ور می‌شوند. در این اثنا مالکان دوزخ «ژیم و ونگ» سر می‌رسند و با سلاح‌های آتشین آن‌ها را مجازات می‌کنند، آن‌ها از درد شکنجه بیهوش می‌شوند. پس از مدتی دوباره زنده می‌شوند و شکنجه‌ها دوباره از سر گرفته می‌شود.

کالسوترا:^۲ در اینجا، همزمان با شکنجه‌های دیگر، زنجیرهای سیاه بر دست و پای گناهکاران بسته می‌شود و مالکان دوزخ دست و پای آنان را با ارّه و تبر آتشین می‌برند.

سامگهاتا:^۳ یعنی زندان خردشدن، در اینجا کوهی سنگین بر گناهکاران فشار می‌آورد و آن‌ها را مانند ژله‌ای خونین له می‌کند. وقتی که سنگ‌های کوه از هم پاشید، عذاب دوباره شروع می‌شود.

رائرانا:^۴ یعنی جیغ‌کشیدن؛ جایی که گناهکاران از رنج و درد بسیار ناله و فریادهای وحشتناک سر می‌دهند. آن‌ها از درد داغ و سوزنده‌بودن زمین به دنبال پناهگاه می‌دوند، ولی وقتی پناهگاه را یافتند و وارد آن شدند، درون آن اسیر شده، در آنجا را با شعله‌های آتش گدازنده، قفل می‌کنند.

1. Sañjīva

2. Kālasūtra

3. Saṃghāta

4. Raurava

مهاراوراوا:^۱ به معنی زندان سوراخ کردن؛ در اینجا حیوانات کراویادا^۲ گناهکاران را آزار می‌دهند و آن‌ها را می‌خورند.

تاپانا:^۳ به معنی زندان گذاختن؛ که در آن گناهکاران را می‌سوزانند.

پرتاپانا:^۴ به معنی زندان سوزاندن وحشناک؛ در اینجا عذاب سوزاندن چند برابر است.

آویسی:^۵ زندان متوالی که در آن گناهکاران پی‌درپی شکنجه می‌شوند. (تین‌پوچ^۶
۲۰۰۹: ۳۰۵۹)

مقایسه کارکردهای آتش در اساطیر ایران و ویتنام نشان می‌دهد که در هر دو فرهنگ، آتش همانند ابزاری برای مقابله با دشمن و نشانه پیروزی است؛ همچنین وصف دوزخ و جایگاه آن نیز در اسطوره‌های دو قوم شباهت بسیاری به یکدیگر دارند. این کارکرد در اسطوره‌های ایرانی تنوع بیشتری دارد؛ چرا که از آتش در مقام داور راستی‌آزمای و نشانه‌ای برای اطلاع دادن نیز استفاده شده است.

جشن‌ها و آیین‌ها

رد پای اسطوره‌ها را می‌توان در زندگی مردم و در آیین‌ها و جشن‌هایی که به پا می‌دارند، جست‌وجو کرد. در ایران با توجه به جایگاه مقدس آتش، جشن‌های ویژه‌ای به منظور ستایش و بزرگداشت آن برگزار می‌شده است:

جشن آذرگان: جشن آذرگان در روز نهم آذرماه، برگزار می‌شده است: «روز نهم آذر عیدی است که آن را برای توافق دو نام آذر جشن می‌نامند و در این روز به افروختن آتش احتیاج می‌یابند و این روز عید آتش است و به نام فرشته‌ای که به

1. Mahāraurava

3. Tapanā

5. Avīci

2. kravyāda

4. Pratāpana

6. Thiên Phúc

همه آتش‌ها موکل است و زرتشت امر کرده که در این روز آتشکده‌ها را زیارت کنند و قربانی‌ها به نزدیک آتش کنند و در امور عالم مشاوره کنند.» (بیرونی ۱۳۸۶: ۳۴۴) ایرانیان باستان روشن کردن آتش در هر خانه را نشانه آغاز زمستان می‌دانستند و برای احترام به ایزد آتش، هر خانواده‌ای از آتشکده، اخگری گرفته، با آن آتش خانه‌اش را روشن می‌ساخت. (رضایی ۱۳۸۳: ۸۸؛ رضی ۱۳۸۳: ۶۷۴ و ۶۷۳) **جشن سده**: یکی از بزرگ‌ترین جشن‌های آتش در ایران باستان تا به امروز است که به پاس پیدایش و کشف آتش برگزار می‌شود. طبق نظر محققان سده، واژه‌ای فارسی است. احتمالاً اصل آن در پهلوی، ست،^۱ ستک^۲ یا سد^۳ بوده است. در فارسی میانه و فارسی باستان و *اوستا* واژه «ست - sata» به معنی سد، عدد صد می‌باشد. (رضی ۱۳۵۸: ۳۴۲ - ۳۴۱)

درباره ریشه این نامگذاری نظریات مختلفی مطرح شده است: ۱- چون صد روز از زمستان سپری می‌شد، مردم جشن سده برپا می‌کردند؛ سد هنگام؛ یعنی پنجاه روز به نوروز مانده؛ ۲- می‌گویند چون فرزند گیومرث به صد رسید، جشنی بزرگ برپا کرد و آتشی فراوان افروختند و آن را سده نامیدند؛ ۳- زمستان در این روز از دوزخ به جهان می‌آید. مردم آتش را می‌افروزند و قربانی می‌کنند تا ضرر و زیان زمستان را دور کنند. در این شب، آتش می‌افروختند و پس از بستن بوته‌های خار مشتعل به حیوانات وحشی و پرندگان، آن‌ها را رها می‌کردند و شراب می‌نوشیدند و به تفریح می‌پرداختند. (کریستن‌سن ۱۳۸۳: ۲۰۶)

سده، جشن روشنی و آتش و آفتاب تجلی اهورامزدا است. اهورامزدا به وسیله نور تجلی می‌کند و نور مایه زندگی است، و تاریکی مظهر اهریمن و چون آتش و چراغ افروخته شود، تاریکی و اهریمن فرصت عمل کردن نمی‌یابد و شیاطین می‌گریزند. (رضی ۱۳۵۸: ۳۶۵-۳۳۵) جشن سده، در واقع، جشن چله

1. sat
3. sadh

2. satag

خورشید است؛ یعنی چهل روز پس از شب یلدا، شب تولد خورشید، آتش به پا می‌کردند و این جادوی گرم‌کردن جهان به شمار می‌آمده است و چله که سردترین موقع سال است، در این زمان تمام می‌شود، و پس از آن زمین نفس می‌کشد. آتش روشن کردن به نوعی جادوی بازآوردن گرمای خورشید به شمار می‌آمده است. (بهار ۱۳۷۴: ۲۳۳)

چهارشنبه سوری: یکی از جشن‌های باستانی و معروف ایرانی است که هنوز در شهرها و روستاها رواج دارد.

«آتش‌افروزی ایرانیان در پیشانی نوروز از آیین‌های دیرین است... شک نیست که افتادن این آتش‌افروزی به شب آخرین چهارشنبه‌سال، پس از اسلام رسم شده است. چه ایرانیان شنبه و آدینه نداشتند... روز چهارشنبه یا یوم‌الاربعاء نزد عرب‌ها روز شوم و نحسی است... این است که ایرانیان آیین آتش‌افروزی پایان سال خود را به شب آخرین چهارشنبه انداختند تا پیش آمدهای سال نو از آسیب روز پلیدی چون چهارشنبه برکنار ماند.» (پورداوود ۱۳۴۳: ۷۳)

اصل این مراسم چنین بوده که در این شب، مردم از زن و مرد بیرون می‌رفتند و در فضایی مناسب، آتش را می‌افروخته، از روی آن می‌پریدند و می‌گفتند: «زردی من از تو، سرخی تو از من». با این مراسم، همه غم و اندوه و بیماری سال گذشته را به آتش می‌سپردند و سال نو را با سلامت و برکت و آسودگی و شادی آغاز می‌کردند. (روح‌الامینی ۱۳۷۶: ۴۸)

حاجی فیروز در نوروز: ایرانیان برای رفتن به استقبال بهار مراسم متعددی دارند؛ یکی از آن‌ها حاجی فیروز است. در این مراسم چند روز به نوروز مانده، در کوچه‌ها آتش می‌افروزند و چند نفر با لباس رنگارنگ و زنگوله‌دار با کلاه‌های بلند و ماسک روی صورت به کوچه می‌آیند و یکی از آن‌ها دو تکه تخته را به هم می‌زند و این شعر را می‌خواند:

آتش‌افروز	آمده	سالی	یک‌روز	آمده
آتش‌افروز	صغیرم	سالی	یک‌روز	فقیرم

روده و پوده آمده هر چه نبوده آمده
(رضی ۱۳۵۸: ۲۱۳-۲۱۲)

و دیگری می‌رقصد و بازی می‌کند. در کنار این، بازی‌های دیگری مانند: میمون بازی، بندبازی، لوطی بازی، خرس رقصنده و غیره هم رایج است. (همانجا)

در ویتنام نیز با توجه به داستان‌هایی که درباره ایزدان نقل شد، مراسم و جشن‌های خاصی برگزار می‌شود:

مراسم خداحافظی با ایزد آشپزخانه: در بخش ایزدان آتش، بیان شد که ایزد آشپزخانه وظیفه نگهداری از خانه، خوردنی و نوشیدنی مردم را بر عهده دارد؛ علاوه بر این، همه کارهای خوب و بد افراد خانه را در دفتر خود ثبت می‌کند و در پایان سال، به خدا گزارش می‌دهد. بر همین اساس، روز بیست‌وسوم ماه دوازدهم از تقویم سنتی ویتنامی مردم برای خداحافظی از او مراسمی می‌گیرند. در این روز، ویتنامی‌ها عبادتگاه را تمیز کرده، وسایلی را که متناسب با ایزد آشپزخانه است همانند دو سه ماهی کپور زنده همراه با عود و چراغدان تهیه می‌کنند. در عبادتگاه وی، معمولاً لباس، دو اسب، پول‌های کاغذی، میوه و... قرار می‌دهند. عود و چراغ در زمان دعا و ستایش روشن می‌شود. وقتی عود تمام شد، لباس و اسب و پول‌های کاغذی را می‌سوزانند و پس از خاموشی آتش، روی آن آب می‌پاشند و ماهی را در رودخانه یا دریاچه رها می‌کنند. از این روز به بعد مردم خود را برای سال نو، آماده می‌کنند و تا روز سی‌ام، روزی که مردم اعتقاد دارند ایزد آشپزخانه از آسمان بر می‌گردد، آتش را در آشپزخانه حفظ می‌کنند و در طول سی‌روز ماه اول تقویم ویتنامی، آتش را به کسی نمی‌دهند. در این مدت آن‌ها باید مراقب برخی از اعمال خود نیز باشند؛ مثلاً در کنار شعله سخنان بد

نگویند؛ از جایگاه آن مراقبت کنند و مواظب باشند تا پای خود را آنجا قرار ندهند. (اونگ^۱: ۲۰۰۹: ۷)

رقص آتش: به مناسب فرا رسیدن بهار مردم قوم «زای»^۲ روز اول سال نو آن هم در ساعتی سعد این جشن را برپا می‌کنند. شب هنگام در وسط زمین، چوب‌هایی را به صورت منظم برای جشن آتش می‌چینند سپس روحانی مراسم، در ستایش ایزد آتش شعر می‌خواند و در دعایش خوشی، سعادت، سلامت و سالی خوب با بارانی مناسب را برای همه آرزو می‌کند. آنگاه از ایزد آتش درخواست می‌کند که به مناسبت آغاز بهار، روشنی و گرما را به همه خانواده‌ها بیخشد و از او دعوت می‌کند تا در این جشن شرکت کند. همزمان با دعای روحانی، شخص همراه او، نی را که از قبل دو نیم شده بود، روی یکدیگر نگه می‌دارد و بعد آن را به زمین می‌افکند، اگر هر دو تکه به یک صورت روی زمین بیفتد، نشان‌دهنده این است که ایزد آتش دعوتشان را پذیرفته و در جشن شرکت می‌کند. اگر دو تکه نی به دو صورت مختلف روی زمین بیفتد، دوباره دعا را تکرار می‌کنند تا وقتی که ایزد قبول کند.

شعله آتش را از آغاز افتتاحیه مراسم روشن می‌کنند تا برای این لحظه افروخته گردد. افراد شرکت‌کننده در رقص آتش، باید از آغاز مراسم دعا حضور داشته باشند. آن‌ها مدام روی نی می‌زنند و خود را آماده رقصیدن روی آتش می‌کنند. روحانی مراسم، برای اجازه گرفتن از ایزد آتش در رقصیدن، از استخاره «یین و یانگ» استفاده می‌کند. با همین روش مذکور، وقتی ایزد قبول کند، یک جفت پسر و دختر با پای برهنه روی آتش می‌روند، می‌رقصند و می‌چرخند و پاهای‌شان را روی آتش قرار می‌دهند. بعد از آن‌ها جفت‌های دیگر به همین

1. Uông

2. Dao

ترتیب به رقص آتش می‌پیوندند. آن‌ها آنقدر شیفته و مست روی آتش می‌رقصند تا شعله‌ها خاموش شود. رقص روی آتش، هیچ آسیبی به پا و بدن رقصندگان وارد نمی‌کند. این مراسم فرصت خوبی برای آشنایی دختران و پسران است تا اگر تقدیرشان باشد، با هم ازدواج کنند و بهار سال بعد با بچه خود برای شرکت در مراسم بیایند. (نگون^۱: ۲۰۰۸: ۱۲۵)

مقایسه جشن‌ها و مراسم ایران و ویتنام در بزرگداشت آتش نشان می‌دهد که در هر دو کشور فراخور اساطیر ایزدان مراسمی برگزار می‌شود؛ چنان‌که در ایران، در ستایش ایزد آذر، جشن آذرگان و در ویتنام در ستایش ایزد آشپزخانه، جشن خداحافظی با او برگزار می‌گردد. می‌توان گفت جشن رقص آتش در ویتنام ترکیبی از همه جشن‌های مخصوص آتش در ایران است.

نتیجه

آتش عنصری مقدس و هستی‌بخش است که در اساطیر جایگاه مهمی دارد. ستایش آتش در اسطوره‌های ایران و ویتنام وجود دارد و بنا بر روایت‌های اساطیری، آیین‌ها و جشن‌هایی در میان مردم هر دو کشور برگزار می‌شود. روایت‌های کشف آتش در اسطوره‌های دو قوم نشان می‌دهد که دوره‌ای از زندگی انسان در تاریکی سپری شده است. از آنجا که در فرهنگ ایران، پادشاه جایگاه خاصی دارد، کشف آتش نیز به وسیله یک پادشاه و در نبرد با نیروی اهریمنی بدون آگاهی از شناخت آتش و ویژگی‌های آن یا تقاضا و جست‌وجو برای یافتن آن صورت گرفته است، اما در اسطوره ویتنامی آتش، عنصری مهم و شناخته شده است؛ چیزی است که ساخته می‌شود و دانش ساخت آن در اختیار

1. Nguyễn Quang, Báo Biên Phòng, số tết

یکی از ایزدان آسمان است و پادشاه برای رسیدن به آن از خفاش و زنبور استفاده می‌کند.

مردم ایران و ویتنام برای آتش، ایزدانی متصور شده‌اند. ایزدان ایرانی پرتویی از اهورامزدا، بسیار محبوب و مورد ستایش هستند؛ در حالی که برخی از ایزدان آتش در ویتنام با وجود داشتن قدرتی آسمانی و مافوق بشری، منفور هستند، آن‌ها بخیل و آسیب‌رسان توصیف شده‌اند. تنها در یک مورد ایزد (ایزدان) آشپزخانه، نگهبانان خانه و اهل آن معرفی شده‌اند که در اینجا وظیفه آن‌ها در مواردی مشابه وظیفه ایزد سروش در اساطیر ایران است.

آتش در اساطیر هر دو کشور کارکردهای مختلفی دارد؛ در هر دوی آن‌ها نماد پیروزی بر دشمن به شمار می‌رود و مجازات گناهکاران با آتش دوزخ است. در ایران برای آگاهی دادن و در مقام داوری حق و باطل نیز استفاده شده است.

متناسب با باورهای اساطیری آیین‌ها و مراسمی نیز در بزرگداشت آتش برگزار می‌شده است. می‌توان گفت جشن رقص آتش در ویتنام که با آغاز بهار برگزار می‌شود؛ ترکیبی است از چند جشن مختلف ایرانی همچون آتش افروختن، رقصیدن و پریدن از روی آتش که تا حدودی شبیه به مراسم چهارشنبه سوری است؛ از نظر ستایش ایزد آتش و دعوت از او برای شرکت در مراسم، به جشن آذرگان شباهت دارد.

پی‌نوشت

(۱) این تقویم بر اساس گردش خورشید و ماه تنظیم شده است و برای مراسم و جشن‌های سنتی استفاده می‌شود.

کتابنامه

- اورنگ، مراد. ۱۳۵۰. آتش نیایش. چ ۵. تهران: بی‌نا.
- باشلار. گاستون. ۱۳۷۸. روان‌شناسی آتش. ترجمه جلال ستاری. تهران: توس.
- بایار، ژان پیر. ۱۳۸۷. رمز پردازی آتش. ترجمه جلال ستاری. چ ۲. تهران: مرکز.
- بهار، مهرداد. ۱۳۷۴. جستاری در فرهنگ ایران. چ ۲. تهران: فکر روز.
- _____ ۱۳۸۶. ادیان آسیایی. چ ۶. تهران: چشمه.
- _____ ۱۳۸۶. پژوهشی در اساطیر ایران. چ ۶. تهران: آگه.
- بیرونی، ابوریحان. ۱۳۸۶. آثار الباقیه. ترجمه اکبر دانه‌سرشت. چ ۵. تهران: امیرکبیر.
- _____ ۱۳۸۶. التفهیم. تصحیح علامه جلال‌الدین همایی. چ ۵. تهران: هما.
- پورخالقی چترودی، مهدخت و فرزاد قائمی. ۱۳۸۹. «تحلیل نمادینگی آتش در اساطیر بر مبنای نظریه همترازی و رویکرد نقد اسطوره‌ای (با تمرکز بر اساطیر ایران و شاهنامه فردوسی)». جستارهای ادبی. س ۴۳. ش ۱۷۰. صص ۹۵-۱۱۸.
- پورداوود، ابراهیم و مرتضی گرجی. ۱۳۴۳. آناهیتا؛ پنجاه گفتار پورداوود. چ ۱. تهران: امیرکبیر.
- خدافرد، ایمان. ۱۳۸۹. «بررسی دو واژه آذر و آتش در نوشته‌های پهلوی». کتاب ماه ادبیات. ش ۳۹. صص ۴-۶.
- دادگی، فرنیع. ۱۳۹۰. بندهشن. ترجمه مهرداد بهار. تهران: توس.
- دادور، نغمه. ۱۳۹۳. «اسطوره داورى ایزدی به وسیله آتش در شاهنامه». فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب. س ۱۰. ش ۳۴. صص ۴۳-۶۵.
- رستگار فسایی، منصور. ۱۳۸۳. پیکرگردانی در اساطیر. چ ۱. تهران: سمت.
- روح‌الامینی، محمود. ۱۳۷۶. آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز. چ ۱. تهران: آگه.
- رضایی، عبدالعظیم. ۱۳۸۳. تاریخ نوروز و گاه‌شماری ایران. چ ۴. تهران: دُر.
- رضی، هاشم. ۱۳۸۳. جشن‌های آتش. چ ۲. تهران: بهجت.
- _____ ۱۳۵۸. گاه‌شماری و جشن‌های ایران باستان. تهران: فروهر.
- زادسپرم. ۱۳۶۶. گزیده‌های زادسپرم. ترجمه محمدتقی راشد محصل. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی

زرین کوب، روزبه و آرزو رسولی (طالقانی). ۱۳۹۳. «آناهیتا و آیین‌های ستایش آتش». نامه فرهنگستان. دوره ۱۴. ش ۱ (پیاپی ۵۳). صص ۹۴-۱۱۹.

عرب گلپایگانی، عصمت. ۱۳۷۶. *اساطیر ایران باستان: جُنگی از اسطوره‌ها و اعتقادات در ایران باستان*. چ ۱. تهران: هیرمند.

فردوسی، ابوالقاسم منصور. ۱۳۸۲. *شاهنامه*. به کوشش و زیر نظر سعید حمیدیان. ج ۹. چ ۶. تهران: قطره.

قائم مقامی، محسن و سیداصغر محمودآبادی. ۱۳۸۸. «خویشکاری آتش در اساطیر ایرانی». *تاریخ ایران*. ش ۵. صص ۱۵۹-۱۸۰.

کرستین سن، آرتور. ۱۳۸۳. *نخستین انسان و نخستین شهریار*. ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی. چ ۲. تهران: چشمه.

گویری، سوزان. ۱۳۸۵. *آناهیتا در اسطوره‌های ایرانی*. تهران: ققنوس.

نیکوبخت، ناصر، سعید بیگدلی، و فونگ وو تی تامه. ۱۳۹۱. «مقایسه ایزدان آب در اسطوره‌های ایران و ویتنام». *فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب*. س ۸. ش ۲۹. صص ۱۷۰-۱۴۱.

نیکوبخت، ناصر، هیبت‌الله اکبری ندمانی و حسین محمدی. ۱۳۸۹. «خویشکاری‌های مشترک فلز و آب و آتش در اساطیر و باورهای ایرانی». *بوستان ادب*. س ۲. ش ۴. صص ۲۱۰-۱۹۲.

وو تی تانه، فونگ. ۱۳۸۹. «بررسی مقایسه تحلیلی عناصر آب و آتش در فرهنگ ایرانی و فرهنگ ویتنامی بر اساس چند اثر ادبی فارسی و ویتنامی». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس*.

واحد دوست، مهوش. ۱۳۸۴. «نمادینگی آتش و بازتاب آن در متون اساطیری و حماسی ایران». *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*. دوره ۲۲. ش ۱. صص ۱۸۶-۱۷۵.

هینلز، جان. ۱۳۸۷. *شناخت اساطیر ایران*. ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی. چ ۳. تهران: چشمه.

یاحقی، محمدجعفر. ۱۳۸۸. *فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی*. چ ۲. تهران: فرهنگ معاصر.

یسنایا. ۱۳۷۰. *تفسیر و تألیف ابراهیم پورداوود*. کوشش بهرام فره‌وشی. چ ۲. تهران: دانشگاه تهران.

Vietnam sources

- Bùi, Thiện, Thương Diễm, Quách Dao. 1976. Đẻ đất đẻ nước. Hà nội: Văn Học.
- Nguyễn, Đông Chi. 2000. Kho tàng truyện cổ tích Việt Nam. In lần 8. Hanoi: Nxb Giáo dục.
- Nguyễn, Gia Thiệu. 1956. Cung oán ngâm khúc. Sài Gòn: Nxb Tân Việt.
- Nguyễn, Quang. 200۸. “Lễ hội nhảy lửa của người Dao đỏ ở Hồ thâu”; *Báo Dân tộc thiểu số & Miền núi*. Số 2.
- Thiện Phúc, Trần Ngọc. 2009. Phật Pháp cơ bản. 1th. California: Phật Giáo Việt Nam Hải Ngoại
- Trần, Ngọc Ninh. (2004/1383 SH). “Huyền thoại Lửa và Mặt trời Việt Nam”. - Không xác định.
- Trần, Tuấn Kiệt và Nam Nhiên. 2010. Đại Việt Thần Đạo. 1th. London: không xác định.
- Uông, Thái Biểu. 2009. “Thần Lửa, thần Chiêng của người Cơ Ho”. *Hà Nội: Nhân dân*. Trang.

References

- Arab, Gol-pāyegānī, Esmat. (1998/1376SH). *Asātīre Īrāne Bāstān: Jongī az Ostūrehā va E'teqādāt dar Īrāne Bāstān*. 1st ed. Tehrān: Hīrmand.
- Bachelard, Gaston. (2000/1378SH). *Ravān-šenāsī-ye Ātaš (La psychanalyse du feu)*. Tr. by Jallāl Sattārī. Tehrān: Tūs.
- Bahār, Mehr-dād. (2008/1386SH). *Adyāne Āsīyāyī*. 6th ed. Tehrān: Āgah .
- Bahār, Mehr-dād. (1996/1374SH). *Jastārī dar Farhange Īrān*. 2nd ed. Tehrān: Fekre Rūz.
- Bahār, Mehr-dād. (2008/1386SH). *Pažūhešī dar Asātīre Īrān*. 6th ed. Tehrān: Āgah .
- Bayard, Jean Pierre. (2009/1387SH). *Ramz-pardāzī-ye Ātaš (La symoblique de feu)*. Tr. by Jallāl Sattārī. Tehrān: Markaz.
- Bīrūnī, Abūreyhān. (2008/1386SH). *al-tafhīm*. Ed. by Allāme Jallālo al-ddīne Homāyī. 5th ed. Tehrān: Homā.
- Bīrūnī, Abūreyhān. (2008/1386SH). *Āsāre al-bāqī-ye*. Tr. by Akbar Dāne Serešt. Tehrān: Amīr-kabīr .
- Christensen, Arthur. (2005/1383SH). *Noxostīn Ensān va Noxostīn Šahrīyār (Les types du rremier homme et du prmier roi dans l'histoire legendaire des Iraniens)*. Tr. by Žāle Amūzegār and Ahmad Tafazzolī. 2nd ed. Tehrān: Āgah.
- Dādegī, Faranbaq. (2012/1390SH). *Bondaheš*. Tr. by Mehr-dād Bahār. Tehrān: Tūs.
- Dād-var, Naqme. (2015/1393SH). "Ostūre-ye Dāvarī-ye Īzādī be Vasīle-ye Ātaš dar Šāh-nāme". *Quarterly Journal of Mytho- Mystic Literature. Islamic Azad University- South Tehran Branch*. 10th Year. No. 34. Pp. 43-65.
- Ferdowsī, Abo al-qāsem Mansūr. (2004/1382SH). *Šāh-nāme*. With the Effort and Advisor of Doktor Sa'īd Hamīdīyān. 9th Vol. 6th ed. Tehrān: Qatre.
- Gaviri, Susan. (2007/1385SH). *Ānāhītā dar Ostūrehā-ye Īrānī (Susan Gaviri: Anahita in der Iranischen mythologie)*. Tehrān: Qoqnūs.
- Hinnells, John Russell. (2009/1387SH). *Šenāxte Asātīre Īrān (Persian mythology)*. Tr. by Žāle Āmūzegār and Ahmad Tafazzolī. 3rd ed. Tehrān: Āgah.
- Nīkū-baxt, Nāser: Akbarī Nademānī, Heybato al-llāh and Mohammādī, Hoseyn. (2011/1389SH). "Xīs-kārīhā-ye Moštarake Felez va Āb va Ātaš dar Asātīr va Bāvarhā-ye Īrānī". *Būstāne Adab*. 2nd Year. No. 4. Pp. 192-210.
- Nīkū-baxt, Nāser. Bīg-delī, Sa'īd and Vu Thi Thanh, Phuong. (2013/1391SH). "Moqāyese-ye Īzādāne Āb dar Ostūrehā-ye Īrān va

- Vīyētnām*". *Quarterly Journal of Mytho- Mystic Literature. Islamic Azad University- South Tehran Branch*. 8th Year. No. 29. Pp. 141-170.
- Phuong vu Thi Thanh. (2011/1389SH). "*Barrasī-ye Moqāyese-ye Tahlīlī Anāsore Āb va Ātaš dar Farhange Irānī va Farhange Vīyētnāmī bar Asāse Čand Asare Adabī-ye Fārsī va Vīyētnāmī*". *MA Thesis Faculty of Humanities*. Trabiāt Modares University.
- Pūr-dāvūd, Ebrāhīm and Gorjī, Morteżā. (1965/1343SH). *Ānāhītā: Panjāh Goftāre Pūr-dāvūd*. 1st ed. Tehrān: Amīr-kabīr.
- Pūr-xāleqī Čatrūdī, Mah-dox̄t and Qā'emī, Farzād. (2011/1389SH). "*Tahlīle Namādīnegī-ye Ātaš dar Asātīr bar Mabnā-ye Nazarīye-ye Ham-tarāzī va Rūy-karde Naqde Ostūreh-ī (bā Tamarkoz bar Asātīre Irān va Šāh-nāme-ye Ferdowsī)*". *Jastārḥā-ye Adabī*. 43th Year. No. 170. Pp. 95-118.
- Qā'em Maqāmī, Mohsen and Mahmūd-ābādī, Seyyed Asqar. (2010/1388SH). "*Xīš-kārī-ye Ātaš dar Asātīre Irānī*". *Tārīxe Irān*. No. 5. Pp. 159-180.
- Rastegār, Fasāyī, Mansūr. (2005/1383SH). *Peykar Gardānī dar Asātīr*. 1st ed. Tehrān: Samt.
- Razī, Hāšem. (1962/1340SH). *Tārīxe Adyān*. 1st ed. Tehrān: Kāve.
- Rezāyī, Abdo al-'azīm. (2005/1383SH). *Tārīxe Nowrūz va Gāh-šomārī-ye Irān*. 4th ed. Tehrān: Dor.
- Rūho al-amīnī, Mahmūd. (1998/1376SH). *Āyīnhā va Jašnḥā-ye Kohan dar Irāne Emrūz*. 1st ed. Tehrān: Āgāh.
- Ūrang, Morād. (1972/1350SH). *Ātaše Nīyāyeš*. 5th ed. Tehrān: Bī-nā.
- Vāhed-dūst, Mahvaš. (2006/1384SH). "*Namādīnegī-ye Ātaš va Bāz-tābe ān dar Motūne Asātīrī va Hemāsī-ye Irān*". *Journal of Social Sciences and Humanities, Shiraz University*. 22th Year. No. 1. Pp. 175-186.
- Xodā-fard, Īmān. (2011/1389SH). "*Barrasī-ye do Vāže Āzar va Ātaš dar Nevešteḥā-ye Pahlavī*". *Ketāb Māhe Adabīyyāt*. No. 39. Pp. 4-6.
- Yāhaqī, Mohammad-Ja'far. (2010/1388SH). *Farhange Asātīr va Dāstān-vārehā dar Adabīyyāte Fārsī*. 2nd ed. Tehrān: Farhange Mo'āser.
- Yasnā*. (1992/1370SH). Interpreted and written by Ebrāhīm Pūr-dāvūd. With the Effort of Bahrām Farḥūšī. 2nd ed. Tehrān: University of Tehran.
- Zadspāram. (1988/1366SH). *Gozīdegīhā-ye Zād-esperm (Vizidagiha i zadisparam)*. Tr. by Mohammad-taqī Rāšed Mohassel. Tehrān: Mo'assese-ye Motāle'āt va Tahqīqāte Farhangī.
- Zarrīn-kūb, Rūzbeh and Rasūlī (Tāleqānī), Ārezū. (2015/1393SH). "*Ānāhītā va Āyīnhā-ye Setāyeše Ātaš*". *Nāme Farhangestān*. 14th Year. No. 1. 53 Serial Number. Pp. 94-119.